

پیوست

اکتبر ۱۹۱۷ و جنبش زنان

بسیج زنان در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ خیلی جدی تر از انقلاب ۱۹۰۵ صورت گرفت. دولت شوروی تلاش عظیمی برای تحقق برابر قانونی، جنسی و اجتماعی به کار بست. اما متأسفانه به توان عظیمی که در جنبش مستقل زنان وجود دارد، توجه کافی نشده است. از این رهگذر نه تنها به پیکار‌رهای بخش، بلکه به پویایی انقلاب در جامعه نیز لطمه خورده است.

تاریخ انقلاب- حتی آن چه توسط خود انقلابیون به نگارش در آمده- به زنان کمتر توجه نموده و پیشرفت‌هایی که نصیبشان شده را بخشی از تحولات کلی جامعه ارزیابی نموده است. از این رو برداشتی سطحی از رابطه‌ی تحولات اجتماعی با جنبش زنان وجود داشته است. در رابطه با انقلاب روسیه گرایش غالب این است که در سال‌های دهه‌ی ۱۹۲۰ (قبل از بوروکراتیک شدن جامعه) پیشرفت روزافزونی در جهت‌رهای زنان وجود داشت، اما در دهه‌ی ۱۹۳۰ با تحکیم قدرت سیاسی استالین بازگشتی به وقوع پیوست که تجلی آن را در تغییر قانون سقط جنین، طلاق و هم‌جنس‌گرایی می‌توان دید. چنین برداشتی از کنار بسیاری از مشکلات می‌گذرد و تصویری غیرانتقادی از سیاست بلشویک‌ها عرضه می‌کند...

در ده سال اخیر کندوکاو در عرصه‌ی نابرابری زنان پیشرفت مهمی داشته که ارائه‌ی یک تحلیل انتقادی را ممکن می‌سازد... برای یک برخورد سازنده لازم است که بررسی انتقادی از یک دیدگاه تاریخی برخوردار باشد. کافی نیست که بلشویک‌ها و انقلاب روسیه را با معیارهای امروزی ارزیابی کنیم... سوال به جانی است اگر پرسیده شود که آیا سیاست بهتری در ارتباط با رابطه‌ی میان زن و مرد نمی‌توانست

بر مسیر اوضاع تأثیر بگذارد. برای پاسخ دادن به این سؤال دیگر نمی توان سیاست بلشویک ها در عرصه ی رهایی زن را جداگانه بررسی نمود و یا تصویری انتزاعی از آن ارائه داد. این موضوع باید در پیوند با تحول رابطه ی حزب و طبقه، پسرقت هنجارهای دموکراتیک، انفعال روزافزون توده ها و رابطه ی میان تغییر و تحولات عینی و سطح آگاهی و هم چنین زندگی سیاسی عمومی آن روزگار مورد بررسی قرار گیرد. از پویایی ذاتی جنبش زنان هم نباید غفلت نمود. نشیب و فراز «مسئله ی زنان» با رشد و فقهقرای دموکراسی پرولتری و خود مدیریت کارگری یکی نیست، چرا که نه سران کمونیست و نه اعضای بدنه ی حزب برای مسئله ی زنان اهمیت سیاسی زیادی قائل نبودند... خطای بزرگی است اگر ما امروز نتیجه گیری کنیم که پسرقت های دهه ی ۱۹۲۰ از این یا آن عامل ناشی شده است...

کاملاً روشن است که تاریخ اتحاد شوروی در سال های ۱۹۲۰ نشان می دهد که در دوران گذار به سوسیالیسم [حضور فعال] جنبش زنان چه نقش مهمی ایفا می کند. این می تواند تئوری و عمل جنبش رهایی بخش زنان را تکامل بخشد، با فعالیت های بوروکراتیک و ضددموکراتیک برزمد و تلاش کند که تحولات در عرصه ی تولید با دگرگونی هایی در عرصه ی خانواده و الغای تقسیم کار برحسب جنسیت همراه گردد.»

(Alix Holt, Die Bolschewiki und die Frauenunterdrückung',

in: Frauen und Arbeiterbewegung, Frankfurt/M ۱۹۸۴.)

بیشتر بلشویک ها از نابرابری زنان و وظایف حزب در این زمینه برداشت روشنی نداشتند: تا سال ۱۹۱۷ و حتی بعد از آن همیشه این وحشت وجود داشت که فعالیت یا ابتکار رفقای زن انگیزه هایی بورژوایی داشته باشد.

بحث هایی که در خلال انقلابی اکتبر در میان رهبران بلشویک ها جریان داشت نشان می دهد که این بدگمانی تنها به مردان محدود نمی شد. به دنبال یکی از مصوبات اکتبر ۱۹۱۷ دال بر فعال کردن «اداره» که از ده سال پیش وجود داشت، رهبری حزب متوجه شد که تنها یک ارگان «برای فعالیت میان زنان روستائیان و

سربازان» کافی نیست. پیروزی اولین کنفرانس سراسری زنان کارگر روسیه (نوامبر ۱۹۱۸) که در آن هزار نماینده گرد آمده بودند، این بود که توانست مخالفینی نظیر سامونیلوفا را قانع کند که هیئت های ویژه ای برای کار میان زنان ضرورت دارد. اما بیش از یک سال طول کشید تا کمیسیون هایی که پس از کنفرانس تشکیل شده بودند، آماده ی فعالیت شدند. آن ها ارگان های تکنیکی ساده ای تلقی می شدند که اجرای تصمیمات کمیته ی مرکزی را به عهده داشتند. وظیفه ی آن ها این بود که به میان زنان غیرحزبی بروند، آن ها را با حقوقشان آشنا کنند و همکاری آن ها را در ساختمان دولت سوسیالیستی جلب نمایند. نمایندگان هیئت ها در همه ی کمیته های حزبی حضور داشتند اما طرز کار آن ها تفاوت داشت. کارکرد و نقش آن ها تا حد زیادی به نحوه ی کار مسئولین حزبی محلی بستگی داشت. به دلایلی چند، موضوع تشکیل جنبش زنان مستقل از حزب هیچ گاه جدی گرفته نشد: مقاومت شدیدی که زن ها همیشه با آن روبرو بودند، تهدیدات مردان که با دخالت همسرانشان در سیاست مخالف بودند، اکثر بلشویک ها اعتقاد داشتند که مشارکت زنان کارگر و دهقان در زندگی اجتماعی در اصل به تحولات اقتصادی کشور شوراها وابسته است، و بنابر این ساختارهای خاص تشکیلاتی تنها از اهمیت ثانوی برخوردارند.

مأخذ: **Jacqline Heinen Einleitung zu: Alexandra Kollontai, Conferaces sur la liberation des femmes, Paris ۱۹۷۸.**

ارنست مندل

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴